بسم‌الله الرحمن الرحیم

[حکم تخییری در قبال مکلف 2](#_Toc432042833)

[احتمالات در این باب 2](#_Toc432042834)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc432042835)

[دو حیثیت تقسیمی بحث 2](#_Toc432042836)

[خدشه در کلام آقای خویی 2](#_Toc432042837)

[عدم انحصاریت تقسیم مفروض 3](#_Toc432042838)

[لزوم مداقه در حکم عقلی 3](#_Toc432042839)

[انواع حکم عقلی 4](#_Toc432042840)

[قسم اول 4](#_Toc432042841)

[قسم دوم 4](#_Toc432042842)

[نوعیت حکم تقلید 4](#_Toc432042843)

[تقسیمات حکم عقلی 5](#_Toc432042844)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc432042845)

# حکم تخییری در قبال مکلف

# احتمالات در این باب

# مرور بحث گذشته

مطلب دهم در ذیل مسئله اول از اجتهاد و تقلید این بود که این حکم تخییری نسبت به اجتهاد، تقلید و احتیاط چه حکمی است؟ عرض کردیم احتمالاتی در اینجا وجود دارد و به نحوی اقوالی وجود دارد، ازجمله قول مرحوم آقای خویی که می‌فرمودند این حکم عقلی است و هیچ‌یک از آن احکام طریقی، نفسی و غیری نیست. این پایه بحث بود.

پس‌ازآن گفتیم برای بررسی مسئله، چندین موضوع در اینجا هست که باید موردتوجه قرار بگیرد. گرچه مقداری آن‌ها را بسط دادیم اما در همه موارد احتیاج هست به اینکه این اصطلاحات و تقسیمات درست در ذهن شریف شما باشد. برای این مسئله اولین مطلبی که عرض کردیم، این بود که ما دو تقسیم در اینجا داریم؛

## دو حیثیت تقسیمی بحث

یک تقسیم این بود که حکم به‌حکم عقلی، عقلایی، شرعی و غریزی یا فطری یا جبلی تقسیم می‌شود. این‌یک تقسیم بود و به لحاظ این است که چه منبعی این حکم را صادر یا درک می‌کند. این‌یک تقسیم بود. تقسیم دوم آن‌طور که ملاحظه کردید، این بود که گفته می‌شده که حکم شرعی یا نفسی است یا غیری یا طریقی. این مطلبی بود که در جلسه قبل عرض کردیم.

## خدشه در کلام آقای خویی

اما آنچه الآن می‌خواهیم عرض کنیم این است که گویا به نحوی در فرمایش مرحوم آقای خویی و بسیاری از بزرگان این است که این دو تقسیم که در طول هم هستند، به این شکل است که تقسیم دوم مربوط به‌حکم شرعی است. درحالی‌که این‌طور به نظر نمی‌آید. این تقسیم دومی که گفته می‌شود، هم باید تعمیق و هم‌مقداری تکمیل شود و هم اینکه این‌طور نیست که فقط از شاخه‌های حکم شرعی باشد.

## عدم انحصاریت تقسیم مفروض

مطلب دیگر اینکه بعد از روشن شدن مسئله این تقسیم دوم انحصاراً در مقسم شرعی وارد نیست. بلکه در همان احکام عقلیه نیز جاری است. و لذا این‌یک نوع مغالطه است که بگوییم حکم یا عقلی یا شرعی یا نفسی یا غیری یا طریقی است، چراکه باید تقسیم آن جامع‌تر شود که عرض خواهیم کرد لذا این تقسیم اختصاص به شرعی ندارد.

در احکام عقلیه هم این تقسیم وجود دارد و جدایی اینکه بگوییم یا عقلی است یا شرعی، یکی از نفسی و طریقی و غیری است، این صناعیه که بینشان مرز تفکیک‌ناپذیری باشد، صحیح نیست. بلکه این تقسیم دوم به نحوی، حداقل اکثر اقسامش در حکم عقلی هم وجود دارد. و لذا اگر کسی می‌گوید این حکم عقلی است، همزمان باید به این توجه کند که عقلی بودن آن معنایش نفی یکی از آن اقسام نیست.

عقلی نیز باشد، باید مشخص کنید، کدام‌یک از آن اقسام است. این‌یک مطلب است که می‌خواهیم بعدازآن مطلب قبل در این جلسه اشاره‌کنیم.

## لزوم مداقه در حکم عقلی

چند مغالطه و مطلب مهم دیگر هست که در ادامه عرض می‌کنیم. ما برای اینکه آنچه عرض کردیم به آن برسیم، در ابتدا می‌خواهیم مقداری انواع احکام عقلی را بیان کنیم تا معلوم شود این تقسیم دوم فقط برای شرعی نیست، در احکام عقلیه هم وجود دارد.

الآن برای اینکه به آن نتیجه که عرض کردم برسیم، حکم عقلی را یک مقدار مورد مداقه قرار می‌دهیم و تقسیم آن را به اقسامی که عرض خواهیم کرد که شبیه نفسی و غیری و طریقی است، بسط می‌دهیم تا به آن نتیجه برسیم.

### انواع حکم عقلی

### قسم اول

حکم عقلی را می‌شود بگوییم چند قسم است. اقسام این را بیان می‌کنیم تا روشن بشود آن تقسیم در اینجا به چه نحوی است. یک درک عقلی این است که عقل به ملاکاتی که در سلسله علل احکام وجود دارد، پی ببرد. این‌یک نوع است. در حقیقت ملاکاتی که نفسیت و ذاتیت دارد و مجرای قاعده ملازمه است. این‌یک نوع حکم عقلی است که این همان قانون قاعده ملازمه است و مثال مشهورش حسن عدل و قبح ظلم است. این، یک درک عقلی مستقل در سلسله علل احکام است که مجرای قاعده ملازمه است. و خروجی این حکم یک حکم نفسی است.

آن‌وقت بنا بر نظر اصولیین این مجرای قاعده ملازمه است و حکم شرعی نفسی هم شکل می‌گیرد. ولی قبل از اینکه شرعی هم در کار باشد، عقل در اینجا یک ملاک مستقل را دریافت کرده و حکم صادر می‌کند. و همان مبنای می‌شود برای اینکه شرعاً حکمی داشته باشد. این همان چیزی است که به آن مستقلات عقلیه گفته می‌شود.

### قسم دوم

مقابل آن قسم اول، نوع دوم می‌شود و آن حکمی است که عقل در سلسله معلولات احکام جاری می‌کند. سلسله معلولات معنایش این است که شارع سخنی فرموده و حکمی را صادر کرده است، عقل برای رعایت آن چیزهایی می‌گوید. این حکم عقلی ناظر به این است که شرع چیزی را گفته است.

### نوعیت حکم تقلید

در قبال اینکه نوع حکم اجتهاد و تقلید چیست؟ اقوالی مطرح‌شده است که مرحوم آقای خویی عقیده دارند این حکم عقلی است. و هیچ‌یک از آن احکام طریقی و نفسی و غیری نیست. طبق نظر اصولیون در قاعده ملازمه عقل به‌عنوان ملاک مستقل عمل می‌کند و قبل از ورود هر چیزی از ناحیه شارع است.

مقسم نوع دوم این است که عقل در سلسله معلولات است. نوع دوم از احکام عقل، حکمی است که به وجوب مقدمه خارجی یا ملازم حکم می‌دهد. و حکم عقل در طرقی همانند قطع حکمی ذاتی است.

### تقسیمات حکم عقلی

حکم عقلی از جهتی دارای شش قسم است. حکمی که آقای خویی بیان نموده است، نوعی از عقلی است که نه از قسم غیری، نه نفسی و نه طریقی به معنای خاص خود است بلکه حکمی در راستا و نوع حکم عقلی وجوب اطاعت است.

البته به این نکته باید توجه داشت که ممکن است این تقسیم عقلی گفته‌شده حصری استقرایی باشد و شکسته شود. و در اقسامی از این تقسیمات عقل اختلاف‌نظر وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

این حکم عقلی به همان نحوی است که آقای خویی فرمودند اما به نحو اطاعت است نه اصل اطاعت. و این نحوه اطاعت عقلی است و حالت اقتضایی دارد. و همین‌که شارع آن را ردع ننموده، خود تأییدی شرعی محسوب می‌گردد.